

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره هشتاد و نهم

بهار ۱۴۰۱

بررسی تطبیقی جایگاه علمی و اجتماعی و

وضعیت فکری اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۴/۲۰

فاطمه کرمی^۱

واکاوی منابع رجالی متقدم، بیانگر نقش برجسته اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام در تبیین، تدوین و تداوم اندیشه امامیه است. در این پژوهش، جایگاه علمی، اجتماعی و وضعیت فکری و اعتقادی اصحاب ایرانی و عراقی امام عسکری علیه السلام با استفاده از روش وصفی - تحلیلی و به شیوه تطبیقی بررسی شده است. برای این منظور، پس از شناسایی ملیت اصحاب و ارائه آماری از تعداد آنها، جایگاه علمی، تألیفات، جایگاه اجتماعی و وضعیت فکری و اعتقادی اصحاب آن حضرت بیان شده است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که از لحاظ کمی، هرچند تعداد اصحاب ایرانی کمتر بوده، اما آثار علمی آنها بیشتر بوده و فراوانی نگارش کتب مربوط به مباحث فقهی، کلامی و ردیه‌نگاری توسط آنها، بیانگر اهتمام اصحاب ایرانی در حفظ مبانی اعتقادی شیعیان و انتقال صحیح آموزه‌های

۱. سطح چهار رشته تاریخ اهل‌بیت علیهم السلام، استاد و پژوهشگر جامعه الزهراء، قم: (f.karami59@gmail.com).

شرعی است. در زمینه فکری و اعتقادی نیز در اثر تلاش مشایخ شیعه ایرانی و مبارزه با نفوذ جریان‌های انحرافی و غالیانه، افراد کمتری از اصحاب ایرانی دچار انحراف شده‌اند. همچنین، به نظر می‌رسد، تعداد زیادتر و کلاسی ایرانی و کسانی که موفق به رؤیت امام زمان علیه السلام شدند، نسبت به اصحاب عراقی، به دلیل ضرورت این امر و به جهت دوری از امام علیه السلام و عدم دسترسی به آن حضرت بوده است.

کلیدواژگان: اصحاب، امام حسن عسکری علیه السلام، راویان، ایران، عراق.

مقدمه

یکی از دلایل تداوم مکتب اهل بیت و حفظ میراث شیعه، فعالیت‌های اصحاب ائمه است. در زمان امام حسن عسکری علیه السلام نیز اصحاب آن حضرت از مناطق مختلف مانند: مدینه، شام، عراق، ایران و... نزد آن حضرت رفته و از ایشان روایت نقل کرده و با تدوین آثار علمی، در گسترش تشیع نقش داشته‌اند. سنجش تبار اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، گویای حضور فعال دو تبار ایرانی و عراقی در بین یاران آن حضرت است که برخی از آنها، علاوه بر بنیه علمی قوی، دارای منزلت اجتماعی رفیعی بودند؛ هرچند تعداد اندکی نیز دچار انحراف شدند.

در مورد این موضوع، هرچند پژوهشگرانی مانند باقر شریف قرشی در کتاب *حیة الامام الحسن العسکری و عزیز الله عطاردی* در کتاب *مسند الامام العسکری*، به تعداد و اسامی اصحاب و یاران آن حضرت اشاره کرده‌اند، ولی وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام‌شده، در دیدگاه تطبیقی و مقایسه‌ای بین اصحاب ایرانی و عراقی آن حضرت و ارائه اطلاعات بیشتری در این زمینه است.

برای آگاهی از شیوه عملکرد اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، ابتدا بر اساس کتاب *رجال شیخ طوسی*، موطن و محل سکونت اصحاب آن حضرت شناسایی شده و با توجه به

اینکه تعداد بسیاری از اصحاب آن حضرت، ایرانی و عراقی بودند و تعداد بسیار کمی (۵ نفر) از مناطق دیگر مانند مدینه، شام و... جزء اصحاب آن حضرت بودند، بنابراین، می‌توان با اغماض، آنها را نیز جزء اصحاب عراقی به شمار آورد. مقایسه جایگاه علمی و اجتماعی اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام، می‌تواند اطلاعات مفیدی را در زمینه مناطق شیعه‌نشین در آن زمان، میزان فعالیت اصحاب ایرانی آن حضرت، جایگاه علمی و اجتماعی آنها، وضعیت فکری و اعتقادی اصحاب آن حضرت و نوع تعامل آنها با امام حسن عسکری علیه السلام و اصحاب عراقی آن حضرت در اختیار ما قرار دهد. برای کسب اطلاعات در این زمینه، لازم است ابتدا اصحاب ایرانی آن حضرت شناسایی شوند.

شناسایی اصحاب ایرانی و غیرایرانی امام حسن عسکری علیه السلام

شیخ طوسی از ۱۰۳ نفر با عنوان اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام یاد می‌کند که از این تعداد، فقط به محل سکونت ۴۶ نفر از آنها اشاره کرده و محل زندگی ۵۷ نفر نامعلوم می‌باشد؛ اما شناسایی محل سکونت برخی از آنها، از طریق مراجعه به کتب رجالی دیگر مثل: رجال کشی، نجاشی و الفهرست شیخ طوسی امکان‌پذیر است. برخی نیز با توجه به نسب آنها، می‌توان به محل زندگی آنها پی برد؛ مانند اسماعیل بن محمد بن علی بن اسماعیل هاشمی عباسی، علی بن زید بن علی علوی و عبد العظیم بن عبدالله حسنی (م. ۲۵۲ق). با توجه به اینکه این افراد، هاشمی و علوی بودند، احتمال مدنی بودن آنها وجود دارد. پسوند نام تعدادی از اصحاب نیز راه دیگری برای پی بردن به محل اقامت آنهاست؛ مانند محمد بن یحیی که لقب وی «مُعَاضی» بوده و معاضی نسبت به آل معاذ است که در مرو دارای خانه بزرگی بودند.^۱ پس، این احتمال وجود دارد که محمد بن یحیی، اهل مرو باشد. همچنین، محمد بن ربیع بن سوید سائی، به احتمال قوی، مدنی است؛ زیرا بنا بر گفته

۱. سمعانی، الانساب، ج ۱۲، ص ۳۲۵.

نجاشی، «السائی» منسوب است به روستایی نزدیک مدینه که به آن، سایه گفته می‌شود.^۱ علی بن جعفر نیز طبق گفته کشی، اهل همینیا، روستایی از روستاهای سواد بغداد است.^۲ اطلاعات ارائه شده ذیل عنوان شخصیت‌های دیگر نیز راه دیگری بود که به شناسایی محل سکونت افراد مورد نظر کمک کرد؛ مانند حسین بن حسن بن ابان، با توجه به اینکه شیخ طوسی در کتاب الفهرست خود، ذیل عنوان «حسین بن سعید» اشاره کرده که حسین بن سعید به قم رفته و در منزل حسن بن ابان ساکن شده و در قم از دنیا رفته است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که حسین بن حسن بن ابان، قمی باشد؛ زیرا منزل پدرش نیز در قم بوده است.^۳ توجه به شغل اصحاب امام حسن عسکری (ع)، ابزار دیگری بود برای دست آوردن اطلاعات مورد نظر در این زمینه؛ مانند احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون (م. حدود ۲۵۰ق). با توجه به اینکه او، ندیم متوکل (خ. ۲۳۲ق-۲۴۷ق) بوده، می‌توان حدس زد، وی بغدادی بوده است؛^۴ اما شناسایی محل اقامت عده‌ای دیگر، امکان‌پذیر نبود؛ چون راهی برای شناخت محل سکونت آنها وجود نداشت.

عده‌ای نیز محل تولدشان با محل سکونت آنها متفاوت بوده؛ مانند احمد بن محمد سیاری (م. حدود ۲۶۸ق) که در برخی منابع، از او با عنوان بصری و در منابع دیگر، با عنوان اصفهانی از او یاد شده و این احتمال وجود دارد که اصالتاً اصفهانی بوده و در بصره

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۷۶.

۲. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۶۵، ش ۱۱۲۹.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۴۹؛ استرآبادی، منهج المقال، ج ۴، ص ۲۱۵.

۴. نجاشی، ص ۹۳، ش ۲۳۰؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۰؛ حموی، معجم الأدباء،

ج ۱، ص ۱۶۵، ش ۴۶؛ عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۸، ش ۴۱۷.

سکونت داشته است.^۱ حسین بن اشکیب (م. قرن سوم) نیز معروف به مروزی بوده؛ ولی مقیم سمرقند و کش بوده است.^۲ شیخ طوسی در کتاب رجالش، از عروه بن یحیی با عنوان قمی یاد کرده و کشی او را بغدادی معرفی نموده است.^۳ بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط کشی، عروه در بغداد سکونت داشته است؛ به همین دلیل، ما نیز او را در شمار اصحاب عراقی آوردیم.^۴ علی بن بلال نیز بغدادی بوده و به واسطه منتقل شده است.^۵ محمد بن حسن بن شمعون، از دیگر افرادی است که از او، هم با عنوان بصری یاد شده و هم بغدادی.^۶

مقایسه آماری تعداد اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام

بررسی محل سکونت اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۳ نفر، ۳۶ نفر ایرانی، ۴۰ نفر عراقی، ۴ نفر مدنی، ۱ نفر شامی و محل سکونت ۲۲ نفر نیز نامعلوم می‌باشد. اطلاعات جمع‌آوری شده در این زمینه، علاوه بر اینکه بیانگر گسترش تشیع در مناطق وسیع، از جمله: قم، نیشابور، ری، همدان، اهواز، مرو، مراغه، شوشتر، کوفه، بغداد، بصره، مدائن، شام و... است، از فعالیت چشمگیر اصحاب ایرانی امام حسن عسکری علیه السلام در این دوره حکایت می‌کند و با توجه به اینکه از محل اقامت آن حضرت

۱. کشی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵؛ نجاشی، همان، ص ۸۰؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۷.

۲. طوسی، همان، ص ۳۹۸.

۳. طوسی، همان، ص ۴۰۰؛ کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۲، ش ۱۰۸۶.

۴. همان؛ همان.

۵. نجاشی، همان، ص ۲۷۸، ش ۷۳۰؛ طوسی، همان، ص ۳۷۷، ش ۵۵۷۸ و ص ۳۸۸، ش ۵۷۱۰.

۶. طوسی، همان، ص ۴۰۲، ش ۵۹۰۵؛ نجاشی، همان، ص ۳۳۵، ش ۸۹۹.

دور بودند، ولی باین حال، در مقایسه با اصحاب عراقی، درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. در این بین، قم با ۱۲ نفر و پس از آن، نیشابور با ۹ نفر بیشترین تعداد اصحاب آن حضرت را در خود جای داده‌اند. مرو و ری نیز با داشتن ۴ نفر، در رتبه بعدی قرار دارند. در بین اصحاب عراقی نیز، شهر بغداد با ۱۷ نفر و کوفه با ۱۲ نفر و پس از آن، بصره با ۶ نفر، شاهد حضور بیشترین تعداد اصحاب آن حضرت بودند.

نام و تعداد اصحاب ایرانی و غیرایرانی امام حسن عسکری علیه السلام

تعداد	نام اصحاب	شهر	
۱۲ نفر	احمدبن اسحاق بن سعد اشعری، احمدبن ادریس، حسین بن حسن بن ابان، ^۱ حسن بن نصر، ^۲ حسن بن محمد بن بابا، ^۳ داود بن عامر اشعری، سعد بن عبدالله، عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ریان، ^۴ محمد بن ابی الصهبان، محمد بن الحسن صفار، ^۵ محمد بن احمد بن جعفر.	قمی	اصحاب
۹	اسحاق بن اسماعیل، ابراهیم بن عبده، ابراهیم بن محمد بن فارس، حمدان بن سلیمان، داود بن ابی زید، عمرکی بن علی البوفکی، علی بن شجاع، فضل بن شاذان، محمد بن احمد بن نعیم (ابو عبدالله شاذانی).	نیشابوری	ایرانی

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۴۹؛ استرآبادی، منهج المقال، ج ۴، ص ۲۱۵.

۲. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۰۵، ش ۹۹۹.

۴. نجاشی، همان، ص ۲۷۸، ش ۷۳۱.

۵. همان، ص ۳۵۴.

۱	عبدالله بن حمدویه.	بیهقی
۲	احمد بن محمد حضینی، محمد بن ابراهیم بن مهزیار. ^۱	اهوازی
۱	محمد بن صالح بن محمد.	همدانی
۴	احمد بن حماد محمودی، ^۳ حسین بن اشکیب (مقیم سمرقند و کشش بوده است)، علی بن جعفر بن عباس خزاعی، محمد بن یحیی المعاذی. ^۴	مروزی ^۲
۱	احمد بن ابراهیم (ابو حامد).	مراغی ^۵
۴	سهل بن زیاد (ابوسعید آدمی)، صالح بن ابی حماد، ^۶ علی بن سلیمان بن داود الرقی، ^۷ محمد بن یزداد.	رازی،
۱	محمد بن علی التستری	تستری
۱	جابر بن یزید الفارسی. ^۸	مجهول

۱. طبرسی، همان، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲. مروزی، منسوب به مرو، و مرو یکی از شهرهای مشهور خراسان است (حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۱۲).

۳. کشی، ذیل ترجمه احمد بن حماد، به مروزی بودن او اشاره کرده است (کشی، همان، ج ۲، ص ۸۳۳، ش ۱۰۵۷).

۴. سمعانی، الانساب، ج ۱۲، ص ۳۲۵.

۵. منسوب به مراغه. مراغه، یکی از شهرهای قدیم آذربایجان است (حموی، همان، ج ۱، ص ۱۲۸).

۶. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۳۷، ش ۱۰۶۸.

۷. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۸. جابر بن یزید فارسی با توجه با اینکه وی مشهور به فارسی بوده، شاید بتوان گفت وی ایرانی بوده است؛ هر چند یکی از روستاهای نهر عیسی از سواد غربی بغداد نیز به نام فارسی معروف بوده است (مامقانی، تنقیح المقال، ج ۸، ص ۱۲۳).

۱۲	احمد بن حسن بن علی بن فضال، ^۱ حسن بن موسی خشاب، ^۲ حسن بن علی بن نعمان، سندی بن ربیع، عبدوس العطار، ^۳ عبدالله بن محمد بن خالد الطیالسی، علی بن حسن بن فضال، قاسم بن هشام الوؤلوی، ^۴ محمد بن حسین بن ابی الخطاب، ^۵ محمد بن عبدالحمید العطار، محمد بن موسی السریعی، ^۶ هارون بن مسلم بن سعدان. ^۷	کوفی	اصحاب غیر ایرانی
۱۷	احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون، ^۸ احمد بن هلال، ^۹ حسن بن جعفر الفافانی، ^{۱۰} حفص بن عمرو العمری، ^{۱۱}	بغدادی	

۱. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۱۲.
۲. همان، ج ۱، ص ۳۷۸، ش ۲۶۴ و ج ۲، ص ۴۶۸.
۳. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۸۹، ش ۵۷۳۹.
۴. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۱۲.
۵. نجاشی از او با عنوان «الهمدانی» یاد کرده است (نجاشی، همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷).
۶. قهپایی، مجمع الرجال، فهرست ج ۶، ص ۵.
۷. هارون بن مسلم بن سعدان، اصالتاً کوفی بوده. سپس، به بصره رفته و پس از آن، به بغداد رفته و در آنجا از دنیا رفته است (طوسی، همان، ص ۴۰۳، ش ۵۹۱۲).
۸. نجاشی، همان، ص ۹۳، ش ۲۳۰؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۰؛ حموی، معجم الأدباء، ج ۱، ص ۱۶۵، ش ۴۶؛ عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۸، ش ۴۱۷.
۹. طوسی، همان، ص ۳۸۴، ش ۵۶۴۹.
۱۰. همان، ص ۳۸۶، ش ۵۶۸۰.
۱۱. طبرسی در اعلام الوری هنگام ذکر وکلای بغداد، از «العمری و پسرش» نام برده؛ ولی مؤلف عدة الرجال معتقد است العمری که در بغداد وکیل بوده، حفص بن عمرو و پسرش محمد بن حفص می باشند و نه عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان (طبرسی، همان، ج ۲، ص ۲۷۳؛ اعرجی کاظمی، عدة الرجال، ج ۱، ص ۷۵).

	داود بن قاسم الجعفری، ^۱ علی بن جعفر، ^۲ علی بن بلال، ^۳ علی بن عبدالله بن مروان، علی بن رمیس، ^۴ عثمان بن سعید العمری، فضل بن حارث، ^۵ محمد بن احمد بن مطهر، محمد بن حفص بن عمرو بن العمری، ^۶ محمد بن عیسی یقطینی، محمد بن علی بن بلال، ^۷ محمد بن بلال، ^۸ عروة الوکیل.		
۶	احمد بن محمد سیاری، ^۹ اسحاق بن محمد (ابویعقوب)، محمد بن نصیر، ^{۱۰} محمد بن حسن بن شمون، یوسف بن سخت (ابویعقوب)، یحیی البصری.	بصری	
۱	علی بن محمد الصیمری.	صیمری ^{۱۱}	

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۱۸۱.
۲. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۶۵، ش ۱۱۲۹.
۳. نجاشی، همان، ص ۲۷۸، ش ۷۳۰؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۷۷، ش ۵۵۷۸ و ص ۳۸۸، ش ۵۷۱۰.
۴. طوسی، همان، ص ۳۸۹، ش ۵۷۳۷.
۵. با توجه به روایتی که فضل بن حارث در مورد وفات امام هادی (علیه السلام) نقل کرده، به احتمال زیاد، وی می‌بایست بغدادی باشد (کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۳، ش ۱۰۸۷).
۶. طبرسی، همان؛ اعرجی کاظمی، همان، ج ۱، ص ۷۵.
۷. همان؛ همان.
۸. همان؛ همان.
۹. احمد بن محمد سیاری، اصفهانی الأصل و ساکن بصره بوده یا برعکس، بصری بوده و در اصفهان ساکن شده است. به همین دلیل، در منابع از او هم با عنوان بصری یاد شده و هم اصفهانی (کشی، همان، ج ۲، ص ۸۶۵؛ نجاشی، همان، ص ۸۰؛ طوسی، همان، ص ۳۹۷).
۱۰. ابن غضائری، الرجال، ص ۱۴۳.
۱۱. صیمری، منسوب به صیمره و به دو موضع اطلاق می‌شود؛ یکی در بصره و دیگری در شهری بین جبل و خوزستان است (حموی، معجم البلدان، ج ۳، ۴۳۹).

۱	اسکافی ^۱	ابو محمد بن علی بن بلال. ^۲
۲	انباری ^۳	احمد بن عبدالله بن مروان، ابراهیم بن خضیب.
۱	مدائنی	عمر و بن سوید.
۴	مدنی	اسماعیل بن محمد بن علی بن اسماعیل هاشمی عباسی، ^۴ علی بن زید بن علی علوی، ^۵ عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، ^۶ محمد بن ربیع بن سوید السائی. ^۷
۱	شامی	عبدالله بن محمد.
۲۲	مجهول	ابراهیم بن یزید و برادرش احمد بن یزید، ابراهیم بن علی، جعفر بن سهیل الصیقل، جعفر بن ابراهیم بن نوح، حسن بن احمد مالکی، حمزه بن محمد، شاهیویه بن عبدالله الجلاب، صالح بن عبدالله الجلاب، عمر بن ابی مسلم، علی بن محمد بن الیاس، عمر بن ابی مسلم، محمد بن علی الکاتب، محمد بن علی القسری، محمد بن یحیی بن زیاد، محمد بن علی الذراع، محمد بن صالح الارمنی، محمد بن موسی بن فرات، محمد بن صالح خثعمی، یعقوب بن منقوش، یعقوب بن اسحاق برقی، ابو خلف العجلی، ابو البختری (مودب ولد الحجاج).

۱. اسکافی، منسوب به اسکاف، و اسکاف از نواحی نهروان، بین بغداد و واسط است (حموی، همان، ج ۱، ص ۱۸۱).
۲. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۴۰، ش ۱۴۷۸۴.
۳. انبار، شهری در سمت غرب بغداد می باشد و همچنین، شهری نزدیک بلخ که جزء نواحی گرگان بوده است (حموی، همان، ج ۱، ص ۲۵۷).
۴. با توجه به نسب اسماعیل بن محمد بن علی بن اسماعیل که هاشمی و عباسی است، به احتمال زیاد، وی اصالتاً مدنی بوده است.
۵. با توجه به اینکه علی بن زید بن علی، علوی بوده، بنابراین، به احتمال زیاد، وی مدنی بوده است.
۶. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی نیز با توجه به نسبش، می بایست مدنی باشد.
۷. نجاشی، همان، ص ۲۷۶.

مقایسه جایگاه و آثار علمی اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام

برخی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه علمی بالایی برخوردار بوده و از شخصیت‌های برجسته و علما و فقهای مشهور آن دوره محسوب می‌شدند؛ مانند: احمد بن اسحاق بن سعد، احمد بن ادريس قمی، حسین بن اشکيب، سعد بن عبدالله اشعری قمی، عبدالله بن جعفر حمیری، حمدان بن سلیمان نیشابوری، عمر کی بن علی بوفکی نیشابوری، فضل بن شاذان نیشابوری و محمد بن حسن صفار.

نجاشی از احمد بن اسحاق بن سعد با عنوان «وافد القمیین» یاد می‌کند و او را از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام می‌داند.^۱ علامه حلی (م. ۷۲۶ق) نیز او را استاد قمی‌ها معرفی کرده است.^۲ مؤلف بهجة الآمال در توضیح معنای «وافد القمیین» می‌گوید: «کسی که علم را از جانب قمی‌ها از امام می‌گیرد.»^۳ احمد بن ادريس قمی (م. ۳۰۶ق)، از دیگر شخصیت‌های علمی آن دوره است که شیخ طوسی یک بار از او با عنوان «معلم»^۴ و بار دیگر از او با عنوان «یکی از استوانه‌ها» یاد کرده است.^۵ نجاشی نیز در مورد وی می‌گوید: «فقیها فی أصحابنا، کثیر الحدیث، صحیح الروایة.»^۶ حسین بن اشکيب نیز در منابع، عالم، فاضل، متکلم، فقیه، جلیل القدر و صاحب کتاب معرفی شده است.^۷ نجاشی در مورد او

۱. نجاشی، همان، ص ۹۱، ش ۲۲۵.

۲. حلی، رجال العلامة حلی، ص ۱۵، ش ۸؛ حلی، ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۶۶،

ش ۱۰.

۳. علیاری تبریزی، بهجة الآمال فی شرح زیادة المقال، ج ۲، ص ۲۰.

۴. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۷، ش ۱۵.

۵. همان، ص ۴۱۱، ش ۵۹۵۶.

۶. نجاشی، همان، ص ۹۲، ش ۲۲۸.

۷. طوسی، همان، ص ۳۹۸، ش ۵۸۳۶ و ص ۴۲۰، ش ۶۰۷۲.

تعبیر «شیخ لنا» به کار برده است.^۱ علامه مامقانی (م. ۱۳۵۱ق) در توضیح این عبارت نجاشی می‌گوید: تعبیر نجاشی به «شیخ لنا»، یعنی استاد ما علمای امامیه که از جلالت و منزلت عظیم او حکایت دارد.^۲ همچنین، از وی با عنوان «خادم القبر» یاد شده است.^۳ میرزا محمدبن علی بن ابراهیم استرآبادی (م. ۱۰۲۸ق) در مورد علت به کار بردن این عنوان برای حسین بن اشکیب می‌گوید: شاید خادم قبر امام رضا (ع) بوده و بنا بر قولی دیگر، خادم قبر پیامبر (ص) بوده است؛^۴ اما علامه مامقانی معتقد است وی، خادم قبر فاطمه معصومه (ع) بوده است.^۵ سعدبن عبدالله اشعری قمی، از دیگر شخصیت‌های جلیل القدری است که دارای تألیفات زیادی بوده و از او با عنوان شیخ طایفه اشعری، فقیه و از چهره‌های برجسته آنها نام برده شده است.^۶ عبدالله بن جعفر حمیری، یکی دیگر از علمای برجسته آن دوره و استاد قمی‌ها بوده است. وی به کوفه نیز رفت و آمد داشته و اهالی کوفه نیز از او حدیث شنیده‌اند.^۷ به کار بردن تعبیر «وجوه أصحابنا» برای حمدان بن سلیمان نیشابوری و نیز تعبیر «بزرگ اصحاب ما» برای عمرکی بن علی بوفکی نیشابوری، از جایگاه والای این دو شخصیت حکایت می‌کند.^۸

۱. نجاشی، همان، ص ۴۴، ش ۸۸.

۲. مامقانی، همان، ج ۲۱، ص ۳۳۲، ش ۵۹۵۱.

۳. کشی، همان، ج ۱، ص ۲۰۲؛ نجاشی، همان، ص ۴۴، ش ۸۸.

۴. استرآبادی، همان، ج ۴، ص ۲۰۲، ش ۵۴۰.

۵. مامقانی، همان، ج ۲۱، ص ۳۳۱.

۶. نجاشی، همان، ص ۱۷۷، ش ۴۶۷.

۷. همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۸. همان، ص ۱۳۸، ش ۳۵۷ و ص ۳۰۳، ش ۸۲۸.

فضل بن شاذان نیشابوری نیز از علما، فقها و متکلمان مشهور آن دوره بوده و در عظمت شأن و مقام و منزلت وی، همین بس که نجاشی در مورد او گفته: وی مشهورتر از آن است که وصف شود. او از نویسندگان فعال و پُرکار بوده و بنا بر نقلی، ۱۸۰ کتاب نوشته است.^۱ محمد بن حسن صفار نیز از دیگر شخصیت‌های برجسته علمی قم بوده که کتاب‌های فقهی متعددی داشته است.^۲

از شخصیت‌های برجسته اصحاب عراقی امام حسن عسکری علیه السلام می‌توان به نام شخصیت‌هایی همچون: احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون بغدادی، حسن بن موسی خشاب کوفی، محمد بن عیسی یقطینی، محمد بن حسین بن ابی الخطاب کوفی، علی بن حسن بن فضال و برادرش احمد بن حسن بن علی بن فضال اشاره کرد.

احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون، کاتب و ندیم متوکل بوده است.^۳ نجاشی در مورد او تعبیر «شیخ اهل اللغة و وجههم» را به کار برده و او را از یاران خاص و نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام و قبل از ایشان از یاران امام هادی علیه السلام می‌داند.^۴ حسن بن موسی خشاب، از دیگر چهره‌های مشهور آن دوره بوده است. از او با عنوان «کثیر العلم والحديث» یاد شده است.^۵ قمی‌ها از او روایت نقل کرده‌اند؛ مثل محمد بن حسن صفار و عمران بن موسی.^۶ محمد بن عیسی یقطینی نیز از اصحاب جلیل القدر بوده که روایات زیادی

۱. همان، ص ۳۰۷، ش ۸۴۰.

۲. همان، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸.

۳. حموی، معجم الأدباء، ج ۱، ص ۱۶۵، ش ۴۶؛ عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۸، ش ۴۱۷.

۴. نجاشی، همان، ص ۹۳، ش ۲۳۰؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۶۶، ش ۸۳.

۵. نجاشی، همان، ص ۴۲، ش ۸۵.

۶. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۲۰، ش ۶۰۶۸.

از او نقل شده است.^۱ یکی دیگر از شخصیت‌های علمی آن زمان، محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب کوفی است که نجاشی در مورد او می‌گوید: «جلیل من اصحابنا؛ عظیم القدر؛ کثیر الروایة، ثقة، عین، حسن التصانیف.»^۲ علی بن حسن بن فضال نیز از چهره‌های علمی برجسته کوفه بوده و تألیفات زیادی داشته است.^۳ نجاشی در باره او می‌نویسد: «فقیه اصحاب ما در کوفه و مورد توجه و ثقة و عارف به حدیث بوده و سخن او در حدیث مورد قبول همگان بوده است و از وی احادیث زیادی را شنیده و هرگز لغزشی در حدیث و چیزی که باعث سرزنش و ایراد باشد، مشاهده نکرده است و روایت ضعیف در بین روایات او، کم است.»^۴ عیاشی نیز می‌گوید: «در خراسان و عراق، کسی را از محدثان ندیدم که از علی بن حسن در کوفه فقیه‌تر و افضل باشد و هیچ کتابی از کتاب‌های ائمه نبوده، مگر اینکه نزد او بوده و او بیشتر از همه مردم حدیث حفظ بود.»^۵ احمد بن حسن بن علی بن فضال، یکی دیگر از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، از عراق می‌باشد که کوفی‌ها و قمی‌ها از او روایت نقل کرده‌اند.^۶

از مجموع ۱۰۳ نفر از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، ۳۳ نفر، یعنی حدود یک سوم از اصحاب و یاران آن حضرت دارای کتاب بودند. تعداد اصحاب ایرانی که دارای کتاب بودند، ۱۴ نفر (یعنی حدود ۴۳ درصد) و تعداد اصحاب عراقی، ۱۹ نفر (یعنی حدود

۱. نجاشی، همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۶.

۲. همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷.

۳. نجاشی، همان، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶؛ طوسی، همان، ص ۲۷۳، ش ۳۹۲؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۶۵، ش ۴۳۸.

۴. نجاشی، همان، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶.

۵. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۵۸، ش ۷۲.

۵۷ درصد) می‌باشد. با اینکه تعداد اصحاب ایرانی که دارای اثر تألیفی بودند، در مقایسه با اصحاب عراقی از لحاظ کمی کمتر بودند، اما از لحاظ کیفی، دارای آثار بیشتری بودند و تعدادی از آنها مانند: سعد بن عبدالله اشعری قمی (م. ۳۰۰ق)، عبدالله بن جعفر حمیری، محمد بن حسن صفار (م. ۲۹۰ق) و فضل بن شاذان (م. ۲۶۰ق)، دارای آثار و تألیفات بسیاری بودند. نجاشی در مورد سعد بن عبدالله می‌گوید: «از اهل سنت احادیث زیادی شنیده است و برای به دست آوردن احادیث، مسافرت کرده و با بزرگان آنها از جمله: حسن بن عرفه، محمد بن عبدالملک دقفی، ابوحاتم رازی و عباس ترقفی ملاقات کرده است.»^۱ او در ادامه می‌گوید: سعد کتاب‌های زیادی تألیف کرده است.^۲ شیخ طوسی نیز از او با عنوان «واسع الاخبار و کثیر التصانیف» یاد کرده است.^۳ نجاشی همچنین در مورد عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: «کتاب‌های زیادی نوشته است.»^۴ نجاشی در مورد فضل بن شاذان نیز به قولی اشاره می‌کند که می‌گوید: «فضل بن شاذان، ۱۸۰ کتاب نوشته است.»^۵ شیخ طوسی هم پس از شمردن نام بیش از ۳۰ کتاب از کتاب‌های فضل بن شاذان می‌گوید: «و برای او، غیر از این کتاب‌ها، تصانیف زیادی است که اسامی و عناوین آنها مشخص نیست.»^۶

بررسی کتب نگارش یافته توسط اصحاب امام حسن عسکری (علیه السلام) نشان می‌دهد، تألیف کتابی با عنوان «النوادر» در آن دوره رواج داشته؛ به گونه‌ای که از بین ۳۳ نفر اصحاب آن حضرت، ۱۶ نفر (یعنی حدود ۵۰ درصد)، دارای کتاب «النوادر» بودند.^۷

۱. نجاشی، همان، ص ۱۷۷، ش ۴۶۷.

۲. همان.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵، ش ۳۱۶.

۴. نجاشی، همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۵. همان، ص ۳۰۷، ش ۸۴۰.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۶۲، ش ۵۶۴.

۷. در جدول آثار علمی اصحاب امام حسن عسکری (علیه السلام) که در پایان مقاله آمده، موارد ذکر شده است.

عناوین کتاب‌های اصحاب ایرانی آن حضرت، بیانگر این است که آنها در این دوره، تلاش بسیاری برای ثبت و ضبط احادیث فقهی می‌کردند و کتاب‌های فقهی متعددی با عنوان: صلوات، زکات، صوم، حج، خمس، نکاح، طلاق و... نوشته‌اند؛^۱ البته ضرورت این امر در آن زمان و عدم دسترسی یاران و شیعیان امام حسن عسکری علیه السلام به آن حضرت، از دلایل این امر بوده است. از دیگر موضوعات مورد اهتمام اصحاب آن حضرت در این دوره، پرداختن به مسائل اعتقادی شیعه و تلاش برای تنزیه آن، از طریق نگارش ردیه بر عقاید و افکار انحرافی و باطل می‌باشد که این امر می‌تواند از وجود عقاید و افکار انحرافی مختلف و متعدد در آن زمان حکایت کند. کتاب‌هایی مانند: کتاب الضیاء فی الرد علی المحمدیة والجعفریة، کتاب فرق الشیعة، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب الرد علی علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس، کتاب الرد علی المجبرة، کتاب الإمامة، کتاب احتجاج الشیعة علی زید بن ثابت فی الفرائض، کتاب مناقب الشیعة،^۲ کتاب الغیبة والحیرة، کتاب قرب الإسناد إلى صاحب الأمر علیه السلام، مسائل ابي محمد و توقیعات،^۳ کتاب النقص علی الإسکافی فی تقویة الجسم، کتاب الرد علی أهل التعطیل، کتاب الرد علی الثنویة، کتاب إثبات الرجعة، کتاب الرجعة حدیث، کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة، کتاب الرد علی محمد بن کرام، کتاب الرد علی أحمد بن الحسین، کتاب الرد علی الأصم، کتاب الرد علی البیان (الیمان) بن رثاب، کتاب الرد علی الفلاسفة، کتاب الأربع مسائل فی الإمامة، کتاب الرد علی المنانیه، کتاب الرد علی المرجئة، کتاب الرد علی القرامطة، کتاب الرد علی البائسة، کتاب القائم علیه السلام، کتاب الملاحم، کتاب الإمامة کبیر، کتاب الخصال فی الإمامة، کتاب الرد علی الحشویة و کتاب الرد علی الحسن البصری فی التفضیل، از جمله

۱. همان.

۲. نجاشی، همان، ص ۱۷۷، ش ۴۶۷؛ طوسی، همان، ص ۲۱۵، ش ۳۱۶.

۳. همان، ص ۲۲۰، ش ۵۷۳؛ همان، ص ۲۹۴، ش ۴۴۰؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۷۳، ش ۴۹۳.

کتاب‌هایی است که در این دوره توسط اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نوشته شده است.^۱

البته از بین اصحاب عراقی امام حسن عسکری علیه السلام نیز علی بن حسن بن فضال، دارای تألیفات زیادی بوده و آثاری که وی داشته، شبیه آثار اصحاب ایرانی آن حضرت بوده و او کتاب‌های فقهی متعددی نیز داشته است.^۲ ردیه‌هایی هم که توسط اصحاب عراقی آن حضرت نوشته شده، نسبت به ردیه‌های اصحاب ایرانی، کمتر بوده است و تنها سه تا ردیه نوشته شده که دو تای آن، در ردّ واقفه^۳ و یکی در ردّ قدریه است.^۴ محمد بن عیسی یقطینی و حسن بن موسی خشاب در ردّ واقفیه،^۵ و محمد بن حسین بن ابی الخطاب در ردّ قدریه کتاب نوشته‌اند.

از دیگر نکات قابل ذکر در اینجا، تأثیر مقام و موقعیت اصحاب آن حضرت روی نوع تألیفات آنهاست؛ به عنوان مثال، احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون، کاتب و ندیم متوکل بوده و اکثر تألیفات وی، در زمینه انساب و قبایل و اشعار شعرای عرب می‌باشد.^۶ جدول آثار علمی اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در پایان مقاله آمده است.

مقایسه جایگاه اجتماعی اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام

بررسی شرح حال اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، نشان می‌دهد اصحاب ایرانی آن حضرت، از جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ به گونه‌ای که از وکلای آن حضرت،

۱. نجاشی، همان، ص ۳۰۷، ش ۸۴۰؛ طوسی، همان، ص ۳۶۱، ش ۵۶۴.

۲. همان، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶؛ همان، ص ۲۷۳، ش ۳۹۲؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۶۵، ش ۴۳۸.

۳. همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۶ و ص ۴۲، ش ۸۵.

۴. همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷.

۵. همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۶ و ص ۴۲، ش ۸۵.

۶. همان، ص ۹۳، ش ۲۳۰؛ طوسی، همان، ص ۶۶، ش ۸۳.

۷ نفر ایرانی بودند؛ شامل: احمد بن اسحاق بن سعد اشعری قمی،^۱ محمد بن احمد بن جعفر قمی،^۲ علی بن الریان،^۳ ابراهیم بن عبده نیشابوری،^۴ محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان نیشابوری، محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی و محمد بن صالح بن محمد همدانی.^۵ همچنین، ۸ نفر از آنها موفق به دیدار امام زمان (عج) شده‌اند؛ احمد بن اسحاق بن سعد قمی، حسن بن نصر،^۶ احمد بن محمد حضینی،^۷ ابراهیم بن عبده،^۸ احمد بن حماد محمودی، حسین بن اشکیب،^۹ محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان، محمد بن ابراهیم بن مهزیار و محمد بن صالح بن محمد همدانی، از جمله این افراد هستند.^{۱۰}

از بین اصحاب عراقی آن حضرت نیز از ۴ نفر با عنوان وکیل یاد شده است؛ علی بن جعفر بغدادی،^{۱۱} عثمان بن سعید عمری،^{۱۲} محمد بن علی بن بلال بغدادی^{۱۳} و عروة

۱. حلی، رجال العلامة حلی، ص ۱۵، ش ۸؛ حلی، ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۶۶، ش ۱۰.
۲. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۸۹۹.
۳. حلی، رجال العلامة الحلی، ص ۹۹، ش ۳۷.
۴. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۸، ش ۱۰۸۹.
۵. طبرسی، همان، ج ۲، ص ۲۷۳.
۶. همان، ص ۲۷۴.
۷. همان، ص ۲۷۵.
۸. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۶.
۹. همان، ص ۵۱۶، ح ۳.
۱۰. طبرسی، همان، ج ۲، ص ۲۷۳.
۱۱. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۶۵، ش ۱۱۲۹.
۱۲. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۷۷.
۱۳. طبرسی، همان، ج ۲، ص ۷۲۳.

الوکیل.^۱ کسانی که به دیدار حضرت حجت نایل شده‌اند، ۳ نفر بودند؛ عثمان بن سعید عمری، بلالی و عطار.

تعداد زیادتر و کلا از بین اصحاب ایرانی (حدود ۲۰ درصد؛ ۷ وکیل از ۳۶ نفر) نسبت به اصحاب عراقی (۱۰ درصد؛ ۴ وکیل از ۴۰ نفر) و کسانی که امام زمان علیه السلام را رؤیت کرده‌اند (حدود ۲۲ درصد؛ ۸ نفر از ۳۶ نفر) در قیاس با اصحاب عراقی (۷.۵ درصد؛ ۳ نفر از ۴۰)، می‌تواند به دلیل نیاز بیشتر آن مناطق به دلیل دوری از امام حسن عسکری علیه السلام و عدم دسترسی به آن حضرت باشد. همچنین، تعداد بیشتر علما و فقهای برجسته آن دوره و تلاش گسترده آنها برای جمع‌آوری احادیث و تألیف کتب فقهی و حدیثی، می‌تواند برخاسته از نیاز جامعه آن روز ایرانیان و گسترش شیعیان در آن مناطق و تلاش اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام برای برآورده ساختن این نیاز باشد.

از نکات قابل ذکر دیگر، تعامل و مراوده‌های علمی اصحاب ایرانی و عراقی با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که اصحاب ایرانی به عراق رفت‌وآمد داشته و کوفی‌ها از آنها روایت نقل کرده‌اند و گاهی اصحاب ایرانی و به‌خصوص قمی‌ها، از اصحاب کوفی روایت نقل کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، در مورد عبدالله بن جعفر حمیری گفته شده: وی به کوفه رفت‌وآمد داشته و اهالی کوفه از او حدیث شنیده‌اند^۲ و نیز محمد بن حسن صفار و عمران بن موسی، از حسن بن موسی خشاب کوفی روایت نقل کرده‌اند.^۳

مقایسه وضعیت فکری و اعتقادی اصحاب ایرانی و عراقی امام حسن عسکری علیه السلام

با اینکه بسیاری از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام از موقعیت و منزلت بالایی برخوردار بودند، اما با این حال، تعدادی از اصحاب آن حضرت دچار انحراف فکری و عقیدتی شده، از مسیر حق منحرف گردیدند. اصحاب ایرانی که دچار لغزش شدند، عبارت‌اند از:

۱. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۲، ش ۱۰۸۶ و ص ۸۴۴، ش ۱۰۸۸.

۲. نجاشی، همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۳. همان، ص ۴۲، ش ۸۵؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۲۰، ش ۶۰۶۸.

حسن بن محمد بن بابا قمی، از غالیان و دروغگویان مشهور می‌باشد.^۱ امام حسن عسکری علیه السلام در نامه‌ای از فهری و حسن بن محمد بن بابا قمی بیزاری جست و آنها را لعن کرد و شیعیان را از آنها برحذر داشت و فرمود: «آنها می‌خواهند به نام ما، اموال مردم را بخورند.» و از آنها با عنوان «فتنه‌گران موذی» یاد کرده‌اند و سپس، به اعتقادات ابن بابا اشاره کرده و می‌فرماید: «ابن بابا معتقد است که خداوند مرا به نبوت مبعوث کرده و او باب نبوت است.» حضرت در ادامه، به یکی از یاران ایشان دستور می‌دهد، اگر توانستی سر او را با سنگ بشکنی، چنان کن.^۲

سهل بن زیاد رازی، از دیگر اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام است که احمد بن محمد بن عیسی بر غلو و کذب او شهادت داده و او را از قم به ری اخراج کرده و از آن پس، او در شهر ری ساکن شده است و نامه‌ای به دست محمد بن عبد الحمید عطار در تاریخ ۱۵ ربیع الثانی سال ۲۵۵ ق به امام عسکری علیه السلام نوشته است.^۳ علامه بحر العلوم (م. ۱۲۱۲ ق) در مورد او می‌نویسد: «اگر سهل بن زیاد آن چنان که ایشان می‌گویند، ضعیف و اهل غلو و دروغ بود، باید از ائمه سرزنش و نکوهشی در مورد او می‌رسید و از گرفتن روایات او نهی و به بازگشت از او امر می‌شد؛ چنان که درباره سایر مشهورین به ضعف، چنین روایاتی رسیده است.»^۴

علی بن جعفر بن عباس مروزی نیز از دیگر اصحاب آن حضرت از ایران است که در منابع، از او با عنوان «واقفی» یاد شده است.^۵

۱. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۰۵، ش ۹۹۹.

۲. همان.

۳. نجاشی، همان، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.

۴. بحر العلوم، الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۲۵.

۵. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۷۳، ش ۱۱۵۱؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۸۰.

اما از اصحاب عراقی امام حسن عسکری علیه السلام، تعداد بیشتری دچار غلو و انحراف شده‌اند. عروة الوکیل، ظاهراً او عروة بن یحیی النخاس (الدهقان) می‌باشد. شیخ طوسی او را قمی شمرده^۱ و کشی او را بغدادی دانسته است. شاید او اصالتاً قمی بوده و در بغداد سکونت داشته است. کشی بعد از اینکه او را بغدادی معرفی کرده و می‌گوید معروف به «دهقان» بوده، به دروغ بستن عروه بر امام هادی و امام عسکری و تصاحب اموال امام برای خودش اشاره می‌کند و در ادامه، به لعن او توسط امام حسن عسکری علیه السلام و دستور به شیعیان برای لعن او می‌پردازد.^۲ عروه، ابتدا از وکلای ثقه و مورد اعتماد بوده و بعداً دچار لغزش و انحراف شده است؛ زیرا در توقیعی که امام حسن عسکری علیه السلام به اسحاق بن اسماعیل نوشته‌اند، از او با عنوان «وکیلنا و ثقتنا» یاد کرده‌اند.^۳

احمد بن محمد سیاری بصری، از دیگر افرادی است که فاسد المذهب بوده و دچار غلو شده است. وی قائل به تناسخ بوده است.^۴ البته او قبل از دوران امام حسن عسکری علیه السلام دچار انحراف شده؛ زیرا در نوشته‌ای از امام جواد علیه السلام آمده است که او در جایگاهی که برای خودش ادعا می‌کند، نیست و چیزی از وجوهات را به او ندهید.^۵

ابویعقوب اسحاق بن محمد بصری، یکی از ارکان و بزرگان غلات بوده^۶ و از او با عنوان «اهل ارتفاع» نیز یاد شده است.^۷ وی معاصر عیاشی بوده است. عیاشی می‌گوید: او فردی

۱. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۸۹، ش ۵۷۲۶.

۲. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۲، ش ۱۰۸۶.

۳. همان، ص ۸۴۷، ش ۱۰۸۸.

۴. نجاشی، همان، ص ۸۰، ش ۱۹۲؛ حلی، همان، ص ۲۰۳، ش ۹.

۵. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۶۵، ش ۱۱۲۸.

۶. همان، ص ۶۱۳، ش ۵۸۴.

۷. همان، ص ۶۱۹، ش ۵۹۱.

غالی بود. به بغداد نزد او رفتم تا مطلبی را از او بنویسم و کتابی را بگیرم و استنساخ کنم. او احادیثی راجع به تفویض از مفضل بن عمر برایم روایت کرد که رغبتی به آن نشان ندادم. پس از آن، احادیثی را از مشیخه ثقه خود برایم نقل کرد. در ادامه، عیاشی از او با عنوان «باحافظه‌ترین کسی که ملاقات کرده‌ام»، یاد کرده است.^۱ با توجه به این روایت عیاشی، مشخص می‌شود در زمان امام حسن عسکری علیه السلام حتی کسانی که روایات تفویض را قبول داشته‌اند و نقل می‌کردند، غالی و اهل ارتفاع معرفی می‌شدند.

احمد بن حسن بن علی بن فضال کوفی، یکی دیگر از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، دارای گرایش فطحیه بوده است. اگرچه او فطحی‌مذهب بوده، اما کوفی‌ها و قمی‌ها از او روایت نقل کرده‌اند.^۲ علت این امر، می‌تواند روایت امام حسن عسکری علیه السلام باشد؛ زمانی که از آن حضرت در مورد بنی‌فضال پرسیده شد که خانه‌های ما از کتب بنی‌فضال پُر است، با آنها چه کنیم؟ حضرت فرمود: آنچه را روایت کرده‌اند، بگیرید و آنچه را خودشان نظر داده‌اند، ترک کنید.^۳ برادرش علی بن حسن بن فضال نیز با اینکه از چهره‌های برجسته حدیث و از راویان بزرگ کوفی بوده، ولی دارای مذهب فطحیه بوده است. عیاشی در مورد او می‌نویسد: «در خراسان و عراق، کسی را از محدثان ندیدم که از علی بن حسن در کوفه فقیه‌تر و افضل باشد و هیچ کتابی از کتاب‌های ائمه نبوده، مگر اینکه نزد او بوده و او بیشتر از همه مردم، حدیث حفظ بود؛ جز اینکه وی فطحی‌مذهب بوده و معتقد به امامت عبدالله بن جعفر و بعد از او، ابوالحسن موسی علیه السلام بوده است و او از جمله افراد مورد وثوق می‌باشد.^۴ شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* خود از او با عنوان «غیرمعاند، و کان قریب

۱. همان، ص ۸۱۳، ش ۱۰۱۴.

۲. طوسی، *فهرست کتب الشیعه*، ص ۵۸، ش ۷۲.

۳. همو، *الغیبه*، ص ۳۹۰.

۴. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۱۲، ش ۱۰۱۴.

الامر إلى اصحابنا الامامية القائلين بالاثنتي عشر» یاد کرده است.^۱ شاید همین ویژگی او، باعث شده تا ثقة و مورد اعتماد معرفی شود.

احمد بن هلال بغدادی نیز جزء غالیان بوده^۲ و روایتی در ذم او از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده است.^۳ وی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، وکالت نایب دوم ابو جعفر محمد بن عثمان را انکار کرد.^۴ کشی در رجال خود، از احمد بن ابراهیم مراغی روایت می کند که: «نسخه ای مشتمل بر لعن ابن هلال برای قاسم بن علاء رسید که در آغاز آن، حضرت به نمایندگان خود در عراق چنین نوشته بود: «إحذرو الصوفی المتصنع: از صوفی ریاکار و متظاهر بپرهیزید.» سپس، بنا بر نقل کشی، این توقیع مورد انکار اصحاب قرار گرفته و قاسم بن علاء را مجبور کردند که راجع به وی به ناحیه مقدسه مراجعه کند. از ناحیه مقدسه هم توقیعی به این مضمون صادر شد: «ما در باره این ریاکار و متظاهر، ابن هلال، نظر خویش را به تو اعلام داشتیم.» بعد، آن حضرت اشاره می کند که او بدون اجازه و رضایت ما، در کار ما دخالت می کند و مستبد و خودسر است و وجوهات امام را برای خود نگه داشته و از اجرای فرامین ما سرباز زده است؛ جز آنهایی را که به مذاق او خوش آمده باشد.^۵

از دیگر اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، داود بن قاسم جعفری بغدادی می باشد. با اینکه شیخ طوسی او را ثقة معرفی کرده است^۶ و کشی به منزلت بالا و جایگاه والای او

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۲۷۳ - ۲۷۲، ش ۳۹۲.

۲. همو، رجال الطوسی، ص ۳۸۴، ش ۵۶۴۹.

۳. نجاشی، همان، ص ۸۳، ش ۱۹۹.

۴. طوسی، الغیبة، ص ۳۹۹.

۵. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۱۶، ش ۱۰۲۰.

۶. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۹، ش ۵۸۴۹.

نزد امام جواد، امام هادی و امام عسکری اعتراف کرده، اما با این حال، کشی می‌گوید روایاتش بر ارتفاع در قول دلالت دارد.^۱ برخی معتقدند نسبت ارتفاع به او، به دلیل نقل معجزات زیاد می‌باشد و روایاتی که شیخ صدوق در کتاب توحیدش از او نقل کرده، بر عدم غلو او دلالت دارد.^۲

محمد بن علی بن بلال، از وکلایی است که امام زمان را دیده و بر معجزات آن حضرت آگاه شده است.^۳ شیخ طوسی در کتاب رجالش او را ثقه معرفی کرده؛^۴ اما در کتاب الغیبه خود او را از مذمومان شمرده است. ظاهراً او تا پیش از وفات امام حسن عسکری علیه السلام، مورد اعتماد بوده و دو سال پیش از وفات آن حضرت، با ایشان ملاقات داشته و امام حسن عسکری علیه السلام، جانشین خود را به او معرفی کرده و سه روز قبل از وفاتش نیز همین کار را انجام داده است؛^۵ اما بعد از شهادت آن حضرت، منحرف شده و وکالت نایب دوم را انکار کرده و خود مدعی نیابت شده است. ماجرای بین او و نایب دوم، ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، معروف است که اموالی از امام را که در دستش بود، نگه داشت و از تسلیم آنها سرباز زد و مدعی شد که فقط او وکیل امام زمان علیه السلام است؛ تا اینکه شیعیان از او تبری جسته و او را لعن کردند و از وجود مقدس صاحب الزمان علیه السلام در باره او توقیعی صادر شده که معروف و مشهور است.^۶

۱. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۱، ش ۱۰۸۰.

۲. استرآبادی، همان، ج ۵، ص ۱۰۳.

۳. ابن بابویه، همان، ج ۲، ص ۴۴۲، ح ۱۶.

۴. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۱، ش ۵۸۸۸.

۵. کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱.

۶. طوسی، الغیبه، ص ۴۰۰.

محمدبن موسی سربعی، از دیگر اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد که دچار غلو شده است.^۱ وی از شاگردان علی بن حسکه و جزء ملعونان می‌باشد.^۲ او، اولین فردی است که به دروغ ادعای نیابت و وکالت امام زمان علیه السلام را مطرح کرده است. محمدبن همام در باره وی نوشته است: نخستین کسی بود که ادعای جایگاهی را کرد که خداوند، او را در آنجا قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود و به خداوند و حجت‌هایش، دروغ بست و چیزهایی را به آنها نسبت داد که شایسته ایشان نبود و ایشان از آن بیزار بودند. از این رو، شیعیان او را لعنت کردند و از او بیزاری جستند و توقیعی از امام در نفرین و بیزاری از او صادر شد.

محمدبن نصیر نمیری نیز از جمله اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بوده که بعد از شهادت آن حضرت، مدعی مقام و جایگاه ابوجعفر محمدبن عثمان شده و ادعای سفارت و نیابت کرده است. ابوجعفر محمدبن عثمان هم او را لعن کرده و از او بیزاری بسته است. نمیری پس از شریعی (محمدبن موسی سربعی)، ادعای نیابت از حضرت کرده است.^۳ محمدبن نصیر، دارای اعتقادات الحادی و کفرآمیز بوده و ادعای پیامبری کرده و خود را فرستاده امام هادی علیه السلام معرفی نموده و در مورد آن حضرت، دچار غلو شده و به ربوبیت امام هادی علیه السلام معتقد بوده است. اعتقاد به تناسخ، مباح دانستن ازدواج با محارم، حلال دانستن نکاح مردان با یکدیگر، از دیگر اعتقادات او بوده است.^۴ محمدبن نصیر، زمینه اختلاف و تفرقه بین اصحاب بعد از مرگش نیز فراهم نموده؛ زیرا هنگام مرگش وقتی در مورد جانشین از او سؤال کردند، با لکنت زبان، نام احمد را برده و چون معلوم نشده منظورش کدام احمد است، طرفدارانش به سه گروه تقسیم شدند؛ عده‌ای، پسرش احمد را

۱. همو، رجال الطوسی، ۴۰۲، ش ۵۹۰۳.

۲. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۰۶، ش ۱۰۰۱.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۳۹۸.

۴. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۰۵، ش ۱۰۰۰.

به عنوان جانشین انتخاب نمودند. دسته‌ای به احمد بن محمد بن موسی بن فرات گرایش پیدا کردند و گروهی به احمد بن ابی حسین بن بشر بن یزید پیوستند.^۱

محمد بن موسی بن حسن بن فرات نیز در شمار اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام قرار داشته^۲ و اسباب اعتقادات محمد بن نصیر را فراهم کرده و او را تقویت می‌کرده است.^۳

از دیگر اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، محمد بن حسن بن شمعون می‌باشد که واقفی بوده و سپس، دچار غلو شده است. احادیثی در وقف به او نسبت داده شده است؛ از جمله حدیثی از امام موسی بن جعفر علیه السلام از او نقل شده که می‌گوید: آن حضرت فرمود: «هر کس به تو خبر دهد که مرا پرستاری کرده و غسل داده و حنوط و کفن کرده و در لحد و قبر گذاشته و خاک‌های دستش را تکانده، او را تکذیب کنی و فرمود: هر کس از من سؤال کرد، بگو زنده است شکر خدا. و خدا لعنت کند هر کس که از او در مورد من سؤال شود و بگوید، از دنیا رفته است.^۴ با اینکه محمد بن حسن بن شمعون واقفی معرفی شده، اما نجاشی می‌گوید اسحاق بن محمد بن ابان از او روایتی را نقل کرده که دلالت بر امامت امام هادی علیه السلام دارد.^۵ همچنین، وی با امام حسن عسکری علیه السلام نیز مکاتبه داشته و از آن حضرت درخواست کرده برای شفای درد چشمش دعا کند.^۶ گفته شده است که ابن‌الرضا، یعنی: امام جواد، امام هادی و امام عسکری، خرج او و چهل نفر را که همگی نانخور او بودند، می‌دادند.^۷ با توجه به این شواهد، این احتمال وجود دارد که وی به مذهب امامیه پیوسته باشد.

۱. طوسی، الغیبه، ص ۳۹۹.

۲. همو، رجال الطوسی، ص ۴۰۲، ش ۵۹۱۰.

۳. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۰۵، ش ۱۰۰۰.

۴. نجاشی، همان، ص ۳۳۵، ش ۸۹۹.

۵. همان.

۶. کلینی، همان، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۷.

۷. نجاشی، همان، ص ۳۳۶، ش ۸۹۹.

بررسی وضعیت فکری و اعتقادی اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نشان می‌دهد برخی از آنها دچار غلو شدند و عده‌ای نیز به مذهب فطحیه اعتقاد داشتند. تصاحب اموال بیت‌المال، تخریب اموال عمومی، سوء استفاده از نام اهل‌بیت و فریب مردم، اظهار اعتقادات باطل و فتنه‌انگیزی، از جمله دلایل برخورد قاطع و شدید امام حسن عسکری علیه السلام با منحرفان می‌باشد. عروبه بن یحیی بنا بر نقل کشی، بعد از اینکه اموال بیت‌المال را برداشت، باقیمانده آن را آتش زد.^۱ ابن‌بابا نیز علاوه بر سوء استفاده از نام اهل‌بیت و فریب مردم و فتنه‌انگیزی، دارای اعتقادات باطل و انحرافی بود.^۲

با مقایسه افرادی که از ایران دچار انحراف و غلو شده‌اند با اصحاب عراقی، در می‌یابیم تنها ۳ نفر از اصحاب ایرانی امام حسن عسکری علیه السلام، از آنها با عنوان غالی و واقفی نام برده شده است و به جز حسن بن محمد بن بابا که از ناحیه امام حسن عسکری علیه السلام در نکوهش و سرزنش او توقیعی صادر شده است، در مورد سهل بن زیاد و علی بن جعفر بن عباس، روایتی که دلالت بر نکوهش آنها کند، وارد نشده است؛ در حالی که از اصحاب عراقی، ۱۲ نفر دچار انحراف فکری و عقیدتی بودند و از این تعداد، ۵ نفر از آنها مورد مذمت قرار گرفته‌اند.

موضع امام حسن عسکری علیه السلام در مورد افرادی که دچار انحراف شده‌اند، یکسان نبوده است؛ گاهی برخورد امام با منحرفان، بسیار شدید و قاطع بوده؛ اما گاهی حتی نکوهشی از امام نیز دیده نشده است. این نوع واکنش امام، متناسب با میزان انحرافات اشخاص بوده است؛ زیرا برخی افراد دارای عقاید الحادی و کفرآمیز بوده و ادعای نبوت برای خودشان، ادعای ربوبیت برای ائمه و ادعای دروغین و کالت داشته‌اند. برخی نیز اعمال و رفتار ناپسند و نادرستی داشته، فتنه‌انگیزی کرده، اموال بیت‌المال را تصاحب کرده، از دستورات امام

۱. کشی، همان، ج ۲، ص ۸۴۳، ش ۱۰۸۶.

۲. همان، ص ۸۰۵، ش ۹۹۹.

سرپیچی می نمودند. بنابراین، واکنش امام در برابر این افراد، بسیار قاطع و شدید بوده؛ اما در مقابل موضع آن حضرت در برابر بنوفضال که فطحی مذهب هستند، ملایم است.^۱ شاید یکی از دلایل آن، غیرمعاند بودن و نزدیک بودن دیدگاه آنها به شیعیان دوازده امامی باشد؛ همان گونه که شیخ طوسی، عبارت «غیر معاند، وکان قریب الامر إلی اصحابنا الامامیة القائلین بالاثنتی عشر» را برای آنها به کار برده است.^۲

نتیجه

مقایسه جایگاه علمی و اجتماعی اصحاب حسن عسکری علیه السلام، بیانگر فعالیت گستره اصحاب ایرانی آن حضرت است و هرچند از لحاظ کمی، تعداد اصحاب ایرانی آن حضرت کمتر بود، اما آثار علمی آنها بیشتر بوده است. تعداد و نوع آثار تألیف شده توسط اصحاب ایرانی و به ویژه اختصاص حجم زیادی از این آثار به کتب اعتقادی و ردیه‌ها، نشان از توجه خاص آنها به تصحیح اعتقادات شیعیان و جلوگیری از انحرافات احتمالی شیعیان بوده است. انحراف تعداد اندک اصحاب ایرانی (۳ نفر) و صدور روایت نکوهشی فقط در مورد یکی از آنها، می‌تواند نتیجه تلاش و فعالیت علمی اصحاب ایرانی باشد. تعداد زیادتر و کلا و کسانی که امام زمان علیه السلام را رؤیت کرده‌اند از ایران، نسبت به اصحاب عراقی، به دلیل نیاز بیشتر به جهت دوری از امام و عدم دسترسی به آن حضرت بوده است. همچنین، از ایران علما و فقهای برجسته بیشتری بودند که تلاش وسیعی برای جمع‌آوری احادیث و تألیف کتاب‌های فقهی و حدیثی نموده‌اند؛ البته این امر نیز می‌تواند برخاسته از نیاز جامعه آن روز ایرانیان و گسترش شیعیان در آن مناطق و تلاش اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام برای برآوردن این نیاز باشد.

۱. طوسی، الغیبه، ص ۳۹۰.

۲. همو، فهرست کتب الشیعة، ص ۲۷۳-۲۷۲، ش ۳۹۲.

آثار علمی اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام

تعداد کتاب	نام کتاب	نام اصحاب	شهر	
۱	علل الصوم کبیر. ^۱	احمد بن اسحاق بن سعد اشعری		اصحاب ایرانی
۲	النوادر کبیر، المقت و التویخ. ^۲	احمد بن ادريس		
بیش از ۳۶ کتاب	کتاب الرحمة - کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب بصائر الدرجات، کتاب الضیاء فی الرد علی محمدیة والجعفریة، کتاب فرق الشیعة، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب ناسخ القرآن ومنسوخه ومحکمه و متشابهه، کتاب فضل الدعاء والذکر، کتاب جوامع الحج، کتاب مناقب رواة الحدیث، کتاب مثالب رواة الحدیث، کتاب المتعة، کتاب الرد علی علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس، کتاب قیام اللیل، کتاب الرد علی المجبرة، کتاب فضل قم و الکوفة، کتاب فضل ابي طالب و عبدالمطلب و ابي النبی صلی الله علیه و آله [وسلم]، کتاب فضل العرب، کتاب	سعد بن عبدالله	قمی ۷ نفر	

۱. همان، ص ۹۱، ش ۲۲۵.

۲. همان، ص ۹۲، ش ۲۲۸؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۶۴، ش ۸۱؛ ابن شهر آشوب، معالم

العلماء، ص ۱۵، ش ۷۲.

	الإمامة، كتاب فضل النبي صلى الله عليه وآله، كتاب الدعاء، كتاب الاستطاعة، كتاب احتجاج الشيعة على زيد بن ثابت في الفرائض، كتاب النوادر، كتاب المنتخبات، كتاب المزار، كتاب مثالب هشام ويونس، وكتاب مناقب الشيعة ^١ .			
١٨	كتاب الدلائل، كتاب الإمامه، كتاب العظمة والتوحيد، كتاب الغيبة والحيرة، كتاب فضل العرب، كتاب التوحيد والبداء والإرادة والاستطاعة والمعرفة، كتاب قرب الإسناد إلى الرضا [عليه السلام]، كتاب قرب الإسناد إلى أبي جعفر بن الرضا (عليهما السلام)، كتاب ما بين هشام بن الحكم وهشام بن سالم، والقياس، والأرواح، والجنة والنار، والحديثين المختلفين، مسائل الرجال ومكاتبتهم أبا الحسن الثالث (عليه السلام)، مسائل لأبي محمد الحسن (عليه السلام) على يد محمد بن عثمان العمري، كتاب قرب الإسناد إلى صاحب الأمر (عليه السلام)، مسائل أبي محمد و توقيعات، كتاب الطب ^٢ .	عبدالله بن جعفر حميري		

١. نجاشي، همان، ص ١٧٧، ش ٤٦٧؛ طوسی، همان، ص ٢١٥، ش ٣١٦.

٢. همان، ص ٢٢٠، ش ٥٧٣؛ همان، ص ٢٩٤، ش ٤٤٠؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ٧٣، ش ٤٩٣.

۲	کتاب منثور الاحادیث، نسخه‌ای از ابو الحسن ثالث، ^۱ علی و محمد، پسرهای ریان، کتاب مشترک داشتند.	علی بن ریان	
	له روایات. ^۲	محمد بن ابی الصهبان	
۳۴	کتاب الصلاة، کتاب الوضوء، کتاب الجنائز، کتاب الصیام، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق والتدبیر والمکاتبة، کتاب التجارات، کتاب المکاسب، کتاب الصيد والذبائح، کتاب الحدود، کتاب الديات، کتاب الفرائض، کتاب الموارث، کتاب الدعاء، کتاب المزار، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب الأشربة، کتاب المروءة (المروءة)، کتاب الزهد، کتاب الخمس، کتاب الزکاة، کتاب الشهادات، کتاب الملاحم، کتاب التقیة، کتاب المؤمن، کتاب الأیمان والنذور والكفارات، کتاب المناقب کتاب المثالب، کتاب بصائر الدرجات، کتاب ما روى فی أولاد الأئمة [عليهم السلام]، کتاب ما روى فی شعبان، کتاب الجهاد، کتاب فضل القرآن. ^۳	محمد بن حسن صفار	

۱. همان، ص ۲۷۸، ش ۷۳۱؛ همان، ص ۲۶۹، ش ۳۸۶.

۲. طوسی، همان، ص ۴۱۵، ش ۶۳۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۱۰۴، ش ۶۹۳.

۳. نجاشی، همان، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸؛ طوسی، همان، ص ۴۰۸، ش ۶۲۲؛ ابن شهر آشوب، همان،

ص ۱۰۲، ش ۶۸۵.

۳	کتاب الرد علی من زعم ان النبی (ص) علی دین قومه؛ الرد علی الزیدیه، النوادر. ^۱	حسین بن اشکیب	مروزی ۱ نفر	
۲	کتاب التوحید، النوادر. ^۲	سهل بن زیاد	رازی	
۲	کتاب خطب امیر المؤمنین، نوادر. ^۳	صالح بن ابی حماد	۲ نفر	
	له کتاب. ^۴	حمدان بن سلیمان		
گفته شده ۱۸۰ کتاب	کتاب النقض علی الإسکافی فی تقویة الجسم، کتاب العروس وهو کتاب العین، کتاب الوعید، کتاب الرد علی أهل التعطیل، کتاب الاستطاعة، کتاب مسائل فی العلم، کتاب الأعراض والجواهر، کتاب العلل، کتاب الإیمان، کتاب الرد علی الثنویة، کتاب إثبات الرجعة، کتاب الرجعة حدیث، کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة، کتاب تبیان أصل الضلالة، کتاب الرد علی محمد بن کرام، کتاب التوحید فی کتب الله، کتاب الرد علی أحمد بن الحسین، کتاب الرد علی الأصم،	فضل بن شاذان	نیشابوری ۴ نفر	

۱. نجاشی، همان، ص ۴۴، ش ۸۸.

۲. همان، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰؛ طوسی، همان، ص ۶۶، ش ۸۳.

۳. همان، ص ۱۹۸، ش ۵۲۶؛ همان، ص ۲۴۴، ش ۳۵۹.

۴. همان، ص ۱۳۸، ش ۳۵۷؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۱۶۳، ش ۲۵۰؛ ابن شهر آشوب، معالم

العلماء، ص ۴۴، ش ۲۸۵.

<p> كتاب في الوعد والوعيد آخر، كتاب الرد على البيان (اليمان ظ) بن رثاب، كتاب الرد على الفلاسفة، كتاب محنة الإسلام، كتاب السنن، كتاب الأربع مسائل في الإمامة، كتاب الرد على المنائية، كتاب الفرائض الكبير، كتاب الفرائض الأوسط، كتاب الفرائض الصغير، كتاب المسح على الخفين، كتاب الرد على المرجئة، كتاب الرد على القرامطة، كتاب الطلاق، كتاب مسائل البلدان، كتاب الرد على البائسة، كتاب اللطيف، كتاب القائم (عليه السلام)، كتاب الملاحم، كتاب حذو النعل بالنعل، كتاب الإمامة كبير، كتاب فضل أمير المؤمنين (عليه السلام)، كتاب معرفة الهدى والضلالة، كتاب التعرى والحاصل، كتاب الخصال في الإمامة، كتاب المعيار والموازنة، كتاب الرد على الحشوية، كتاب النجاح في عمل شهر رمضان، كتاب الرد على الحسن البصري في التفضيل، كتاب النسبة بين الجبرية والتنوية.^۱ كتاب المسائل والجوابات، كتاب المتعنين: متعة النساء و متعة الحج، كتاب الردّ على الدامغة (في النبوة وهو كتاب الردّ على </p>			
--	--	--	--

۱. نجاشي، همان، ص ۳۰۷، ش ۸۴۰؛ طوسی، همان، ص ۳۶۱، ش ۵۶۴.

	یزید بن بزيع الخارجي، كتاب الردّ على أحمد بن يحيى، كتاب النقض على أبي عبيد في الطلاق، كتاب جمع فيه مسائل متفرقة للشافعي وأبي ثور والأصفهاني وغيرهم، سماها تلميذه علي بن محمد بن قتيبة كتاب الديباج. ^١			
٢	الملاحم، النوادر. ^٢	العمرکی بن علی البوفکی		
	له كتب. ^٣	داود بن ابی زید		
٥	ثواب القرآن، النوادر، الطب، كتاب القراءات، الغارات. ^٤	احمد بن محمد سياری	بصری	اصحاب عراقی
٤	كتاب السنن والآداب ومكارم الاخلاق؛ كتاب المعرفة؛ نوادر؛ له كتاب اسامي امير المؤمنين (ع). ^٥	محمد بن حسن بن شمعون	٢ نفر	

١. طوسی، همان، ص ٣٦١، ش ٥٦٤.

٢. نجاشی، همان، ص ٣٠٣، ش ٨٢٨.

٣. طوسی، همان، ص ١٨٣، ش ٢٨٣؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ٤٩، ش ٣٢٥.

٤. نجاشی، همان، ص ٨٠، ش ١٩٢؛ طوسی، فهرست كتب الشيعة، ص ٥٧، ش ٧٠.

٥. نجاشی، همان، ص ٣٣٦، ش ٨٩٩، طوسی، همان، ص ٤٣٧، ش ٦٩٦، ابن شهر آشوب، همان،

ص ١١٠، ش ٧٣٥.

	کتاب الاوصیاء. ^۱	علی بن محمد صیمری	صیمری ۱ نفر	
۱۱	کتاب أسماء الجبال والمیاه والأودية، کتاب بنی مرة بن عرف، کتاب بنی النمر بن قاسط، کتاب بنی عقیل، کتاب بنی عبدالله بن غطفان، کتاب طیء، شعر العجیر السلولی صنعته، شعر ثابت قطنه صنعته، کتاب بنی کلیب بن یربوع، أشعار بنی مرة بن همام، نوادر الأعراب. ^۲	احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون	بغداد	
۲	کتاب یوم وليله؛ نوادر. ^۳	احمد بن هلال	۵ نفر	
	له کتاب. ^۴	علی بن بلال		
۲	له کتاب؛ ^۵ کتاب اخبار، کتاب شعر. ^۶	داود بن قاسم الجعفری		
۱۹	کتاب الوصایا، تفسیر القرآن، کتاب التجمّل والمروءة، کتاب الأمل والرّجاء، ^۷ کتاب الإمامة، کتاب الواضح المكشوف فی الرد	محمد بن عیسی یقظینی		

۱. ابن طاووس، فرج المهموم، ص ۳۶.

۲. نجاشی، همان، ص ۹۳، ش ۲۳۰؛ طوسی، همان، ص ۶۶، ش ۸۳.

۳. نجاشی، همان، ص ۸۳، ش ۱۹۹.

۴. همان، ص ۲۷۸، ش ۷۳۰.

۵. طوسی، همان، ص ۱۸۲، ش ۲۷۷؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۴۷، ش ۳۱۵.

۶. نجاشی، همان، ص ۸۶، ش ۲۰۷.

۷. طوسی، همان، ص ۴۰۲، ش ۶۱۲؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۱۰۱، ش ۶۷۶.

	على أهل الوقوف، كتاب المعرفة، كتاب بعد الإسناد، كتاب قرب الإسناد، كتاب اللؤلؤة، كتاب المسائل المجربة، كتاب الضياء، كتاب الطرائف، كتاب التوقيعات، كتاب الفیء والخمس، كتاب الرجال، كتاب الزكاة، كتاب ثواب الأعمال، كتاب النوادر. ^١		
٢	كتاب الصلاة، الوضوء. ^٢	احمد بن حسن بن علي بن فضال	كوفي ١٠ نفر
٤	الرد على الواقفة، النوادر، الحج، الانبياء. ^٣	حسن بن موسى الخشاب	
	نوادير. ^٤	حسن بن علي بن نعمان	
	له كتاب. ^٥	سندی بن ربیع	
٢	كتاب نوادر، كتاب نوادر صغيرة. ^٦	عبدالله بن	

١. نجاشی، همان، ص ٣٣٤، ش ٨٩٦.

٢. همان، ص ٨١، ش ١٩٤؛ طوسی، همان، ص ٥٨، ش ٧٢.

٣. نجاشی، همان، ص ٤٢، ش ٨٥؛ طوسی، همان، ص ١٢٧، ش ١٧١؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ٣٤، ش ١٩١.

٤. همان، ص ٤٠، ش ٨١؛ همان، ص ١٣٨، ش ٢٠١؛ همان، ص ٣٧، ش ٢٢٠.

٥. همان، ص ١٨٧، ش ٤٩٦؛ همان، ص ٢٢٩، ش ٣٤٣.

٦. همان، ص ٢١٩، ش ٥٧٢.

	محمد بن خالد الطیالسی	
گفته شده ۳۰ کتاب	<p>کتاب الوضوء، کتاب الحيض والنفاس، کتاب الصلاة، کتاب الزكاة والخمس، کتاب الصيام، کتاب مناسک الحج، کتاب الطلاق، کتاب النکاح، کتاب المعرفة، کتاب التنزیل من القرآن والتحریر، کتاب الزهد، کتاب الأنبياء، کتاب الدلائل، کتاب الجنائز، کتاب الوصايا، کتاب الفرائض، کتاب المتعة، کتاب الغيبة، کتاب الکوفة، کتاب الملاحم، کتاب المواعظ، کتاب البشارات، کتاب الطب، کتاب إثبات إمامة عبدالله، کتاب أسماء آلات رسول الله صلى الله عليه وآله وأسماء سلاحه، کتاب العلل، کتاب وفاة النبي [صلى الله عليه وآله]، کتاب عجائب بنى إسرائيل، کتاب الرجال، کتاب ما روى فى الحمام، کتاب التفسير، کتاب الجنة والنار، کتاب الدعاء، کتاب المثالب، کتاب العقیقة.^۱ کتاب منسوب به على بن حسن بن فضال معروف به أصفیاء أمير المؤمنین (عليه السلام).^۲</p>	على بن حسن بن فضال

۱. همان، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶؛ طوسی، همان، ص ۲۷۳، ش ۳۹۲؛ ابن شهر آشوب، همان، ص ۶۵،

ش ۴۳۸.

۲. همان، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶.

٢	کتاب النهی، النوادر. ^١	قاسم بن هشام الؤلوی	
٧	کتاب التوحید، کتاب المعرفة والبداء، کتاب الرد علی أهل القدر، کتاب الإمامة، کتاب اللؤلؤة، کتاب وصایا الأئمة (علیهم السلام)، کتاب النوادر. ^٢	محمد بن الحسین بن ابی الخطاب	
	النوادر. ^٣	محمد بن عبدا لحمید	
٦	کتاب التوحید، کتاب الفضائل، کتاب الخطب، کتاب المغازی، کتاب الدعاء، وله مسائل لأبی الحسن الثالث (علیه السلام). ^٤	هارون بن مسلم بن سعدان	
	خطب امیر المؤمنین (ع). ^٥	عبد العظیم بن عبدالله الحسنی	مدنی ١ نفر

١. همان، ص ٣١٦، ش ٨٦٨؛ طوسی، همان، ص ٣٧٣، ش ٥٨١؛ ابن شهر آشوب، ص ٩٣، ش ٦٤٤.

٢. همان، ص ٣٣٤، ش ٨٩٧؛ همان، ص ٤٠٠، ش ٦٠٨؛ ابن شهر آشوب، ص ١٠١، ش ٦٧١.

٣. نجاشی، همان، ص ٣٣٩، ش ٩٠٦.

٤. همان، ص ٤٣٨، ش ١١٨٠.

٥. نجاشی، همان، ص ٢٤٧، ش ٦٥٣؛ طوسی، همان، ص ٣٤٧، ش ٥٤٩.

منابع

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۸۰، معالم العلماء، نجف اشرف، المطبعة الحیدریة.
۲. ابن طاووس، بی تا، فرج المهموم، قم، دار الذخایر.
۳. ابن طاووس، ۱۴۱۱، مهج الدعوات ومنهج العبادات، قم، دار الذخایر.
۴. استرآبادی، محمد بن علی، ۱۴۲۲، منهج المقال، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۵. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن، ۱۴۱۵، عدة الرجال، قم، اسماعیلیان.
۶. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، ۱۳۶۳، الفوائد الرجالية، تهران، مكتبة الصادق.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۲، رجال العلامة الحلّی، قم، الشریف الرضی.
۸. —، ۱۳۸۱، ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، مشهد، آستان قدس رضوی.
۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، بی تا، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
۱۰. —، بی تا، معجم الأدباء، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۱۱. خوبی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، معجم رجال الحديث، بی جا، بی نا.
۱۲. سمعانی، عبدالکریم، ۱۴۰۱، الأنساب، حیدر آباد، مطبعة مجلس.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، بی تا، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، تهران، مكتبة الصدوق.
۱۴. —، ۱۳۹۵، کمال الدین وتمام النعمة، تهران، دار الكتب الاسلامية.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۶، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱، الغيبة، قم، دار المعارف الاسلامية.
۱۷. —، ۱۳۷۳، رجال الطوسی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۸. —، ۱۴۲۰، فهرست كتب الشيعة واصولهم وأسماء المصنفين واصحاب الأصول، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي.
۱۹. عسقلانی، ابن حجر، ۱۴۰۷، لسان المیزان، بیروت، دار الفکر.
۲۰. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله، ۱۴۱۲، بهجة الآمال فی شرح زیدة المقال، تهران، کوشانیور.
۲۱. قمی، حسن بن محمد، بی تا، تاریخ قم، تهران، توس.

٢٢. قهپایی، عنایة الله، ١٣٦٤، مجمع الرجال، قم، اسماعیلیان.
٢٣. کشی، محمد بن عمر، ١٤٠٤، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
٢٤. کلینی، محمد بن یعقوب، ١٤٠٧، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
٢٥. مامقانی، عبدالله، ١٤٣١، تنقیح المقال، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
٢٦. نجاشی، احمد بن علی، ١٣٦٥، رجال النجاشی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.